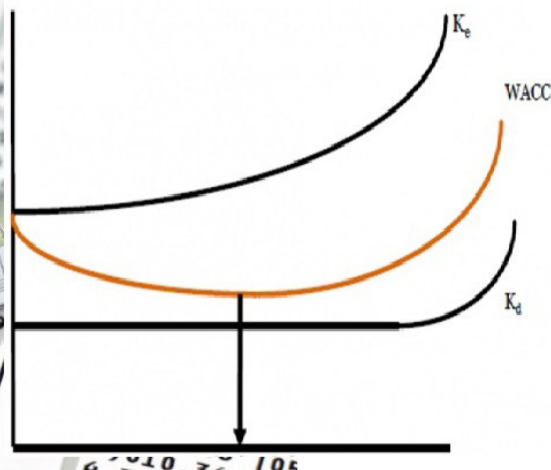




چالش‌های اجرایی سازی اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۱۱/۴

شماره مسلسل: ۱۹۵۸۷
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
چالش‌های اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین:
یوسف زراعت‌کیش

ناظر علمی:
موسی بیات

مدیر مطالعه:
حسین نصیری

اظهار نظر کننده خارج از مرکز:
غلامرضا گرایبی نژاد (عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه آزاد اسلامی)، غلامعلی منتظر (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)، جعفر توفیقی (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)، اکبر گلدسته (عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ)، وحید مهربانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
ناهید عطاردی

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۲/۷/۱



واژه‌های کلیدی:
۱. اصل سی‌ام
۲. آموزش عالی
۳. آموزش عالی رایگان
۴. سرحد خودکفایی
۵. تربیت نیروی انسانی متخصص



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱.مقدمه.....
۹	۲. چالش‌های اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی.....
۹-۲	۱-۲. عدم برداشت یکسان و برخی ابهامات نزد جامعه علمی و بدنه سیاستگذاری از مفهوم سرحد خودکفایی تحصیلات عالی رایگان.....
۱۰	۲-۲. دشواری برنامه‌ریزی و نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در سطح کشوری و استانی.....
۱۰	۲-۳. مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی و نیروهای متخصص.....
۱۰	۲-۴. ضعف در نظام اطلاعات بازار کار و اطلاعات نیروی انسانی متخصص.....
۱۱	۲-۵. مقاومت اجتماعی در صورت عدم تبیین صحیح هدف از اجرای اصل سی‌ام.....
۱۱	۲-۶. دشواری در تطابق مهارت و کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نیازهای جامعه و بازار کار.....
۱۱	۲-۷. نبود پشتوانه تقنینی و نظارتی برای اجرای اصل سی‌ام ناظر به آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی.....
۱۲	۲-۸. پویایی و سیالیت مشاغل (پویایی نیازهای بازار کار).....
۱۲	۲-۹. تلاطم‌های اقتصادی و دشواری در پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در منابع مالی آموزش عالی.....
۱۲	۲-۱۰. چالش حفظ کارآمدی آموزش عالی و تأمین مالی رایگان آن در تربیت نیروی انسانی.....
۱۳	۲-۱۱. مشکل تعیین دقیق سرحد خودکفایی از منظر کمی و کیفی و تعیین شاخص‌های آن.....
۱۳	۲-۱۲. عدم کنترل و جهت‌دهی علایق شغلی نیروی‌های آموزش‌دیده و متخصص به سمت نیازهای شغلی کشور.....
۱۳	۲-۱۳. چالش شناخت مزیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق آمایشی و پیوند آن با کارکردهای آموزش عالی.....
۱۴	۲-۱۴. تحولات جمعیتی و دشواری پیش‌بینی کم و کیف نیروی انسانی متخصص.....
۱۴	۲-۱۵. چالش دیوان‌سالاری و تعدد نهادهای مجری و سیاستگذار در برنامه‌ریزی، تأمین و آموزش نیروی انسانی متخصص.....
۱۵	۲-۱۶. گرایش داوطلبان دانشگاه به رشته‌های خاص و تقاضای پایین برای برخی دیگر از رشته‌ها.....
۱۵	۲-۱۷. دشواری در اجرای آموزش عالی رایگان از منظر عدالت اجتماعی.....
۱۶	۲-۱۸. مقاومت برخی از ذی‌نفعان در برابر اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی به دلیل تعارض منافع (محیطی و درونی نظام آموزش عالی).....
۱۶	۳. نتیجه‌گیری.....
۱۷	منابع و مأخذ.....



چالش‌های اجرایی سازی اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی

چکیده



اصل سی‌ام قانون اساسی دولت را مکلف به حمایت رایگان از تحصیلات عالی تا سرحد خودکفایی کشور کرده است. در اجرای این اصل پرسش‌های بسیاری وجود دارد، با وجود این پرسش‌ها، مطالعات اندکی در این باره انجام شده است. گزارش پیش‌رو به بررسی اهم چالش‌های اجرایی سازی اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه تحصیلات عالی (آموزش عالی) می‌پردازد. از این رو ابتدا معنا و مفهوم خودکفایی در سیاق اصل سی‌ام براساس مطالعات انجام شده در این مرکز، اسناد بالادستی همچون نقشه جامع علمی کشور و سایر قوانین موضوعه، تأمین نیازمندی‌های کشور به کارکردهای آموزش عالی فهم شده است. چون محور اصلی این کارکردها «تربیت نیروی انسانی متخصص» است، خودکفایی در نیروی انسانی متخصص به عنوان مفروض اصلی گزارش پذیرفته شد. از مهم‌ترین چالش‌های احصا شده در این مطالعه عدم برداشت یکسان و وجود برخی ابهامات نزد بدنه سیاستگذاری و جامعه علمی از مفهوم سرحد خودکفایی تحصیلات عالی رایگان، دشواری نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در سطح کشوری و استانی، مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی و نیروهای متخصص و ضعف در نظام اطلاعات بازار کار و اطلاعات نیروی انسانی متخصص است.

بیان / شرح مسئله

در اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف به گسترش تحصیلات عالی رایگان شده که البته برای آن حد (خود کفایی) تعیین شده است. اما با توجه به اینکه همواره منابع محدود و نیازها نامحدود هستند، استفاده از منابع عمومی برای این بخش - و البته برای هر بخش دیگری - باید به بهترین شکل و به صورت هدفمند انجام شود. بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران در بسیاری رشته‌ها نشان می‌دهد عملکرد آموزش عالی کشور بهینه و هدفمند نیست و توجه به نیازهای واقعی کشور و بازار در برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی متخصص باید مدنظر سیاستگذاران و مجریان حوزه آموزش عالی کشور قرار گیرد. نتایج کلی پیمایش وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، نسبت شاغلین به دانش‌آموختگان ۴۲/۵۸ درصد بوده است، یعنی بالغ بر ۵۷ درصد بیکار تشخیص داده شده‌اند [۱]. این حجم از بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فارغ از هر دلیلی که میتوان برای آن متصور شد، - مانند ضعف مهارت، عدم تقاضای بازار، ضعف ارتباط صنعت و دانشگاه و غیره - نشان‌دهنده هدررفت و عدم مصرف بهینه بخشی از اعتبارات آموزش عالی و منابع انسانی است. شرایط و مسائلی مانند ضعف در مصرف بهینه اعتبارات عمومی، تقاضای اجتماعی بالا برای آموزش عالی، نیاز کشور به نیروی انسانی متخصص، تغییرات روزافزون علم و فناوری و لزوم حمایت دولت از فراگیری علوم و فناوری‌های نوین، لزوم حمایت از علومی که بازار نسبت به آنها رغبت چندانی ندارد، نظیر علوم پایه و تحقیقات بنیادی، ایجاب می‌کند تکالیف دولت در خصوص تربیت نیروی انسانی متخصص با کیفیت از منظر قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی احصا و تبیین شود و با برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی، به‌سمت مصرف بهینه اعتبارات عمومی حوزه آموزش عالی و تحقیقات در تأمین نیازها حرکت کرد. اجرای صحیح اصل سی‌ام قانون اساسی که تأکیدی بر هزینه‌کرد هدفمند و اولویت‌دار اعتبارات در حوزه آموزش عالی در راستای تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور است، دارای چالش‌ها و موانعی است که در گزارش حاضر به آنها پرداخته خواهد شد.

یافته‌های کلیدی:

با توجه به اینکه براساس اصل سی‌ام قانون اساسی توجه به نیازها و

اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی متخصص به دولت تکلیف شده است، تحقق این اصل دارای چالش‌هایی است که در قالب موارد ذیل دسته‌بندی می‌شوند:

۱. نظری و مفهومی، ۲. اجتماعی و سیاسی، ۳. نهادی، ۴. فنی و کارشناسی، ۵. محیطی، ۶. درونی نظام آموزش عالی. این موارد پس از توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه آموزش عالی به ترتیب اهمیت به شرح ذیل است:

- عدم برداشت یکسان و وجود برخی ابهامات نزد جامعه علمی و بدنه سیاستگذاری از مفهوم سرحد خود کفایی تحصیلات عالی رایگان (نظری و مفهومی)،

- دشواری نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در سطح کشوری و استانی (فنی و کارشناسی)،

- مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی و نیروهای متخصص (محیطی)،

- ضعف در نظام اطلاعات بازار کار و اطلاعات نیروی انسانی متخصص (نهادی)،

- مقاومت اجتماعی در صورت عدم تبیین صحیح هدف از اجرای اصل سی‌ام (اجتماعی و سیاسی)،

- دشواری در تطابق مهارت و کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نیازهای جامعه و بازار کار (درونی نظام آموزش عالی)،

- نبود وجود پشتوانه تقنینی و نظارتی برای اجرای اصل سی‌ام ناظر به آموزش عالی رایگان تا سرحد خود کفایی (نهادی)،

- پویایی و سیالیت مشاغل و پویایی نیازهای بازار کار (محیطی)،

- تلاطم‌های اقتصادی و دشواری در پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در منابع مالی آموزش عالی (محیطی)،

- چالش حفظ کارآمدی آموزش عالی و تأمین مالی رایگان آن در تربیت نیروی انسانی (درونی نظام آموزش عالی، فنی و کارشناسی)،

- مشکل تعیین دقیق سرحد خود کفایی از منظر کمی و کیفی (نظری و مفهومی)،

- عدم کنترل و جهت‌دهی علایق شغلی نیروی‌های آموزش دیده و متخصص به‌سمت نیازهای شغلی کشور (محیطی)،

- چالش شناخت مزیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق آمایشی و پیوند آن با کارکردهای آموزش عالی (فنی و کارشناسی)،

- تحولات جمعیتی و دشواری پیش‌بینی کم و کیف نیروی انسانی



- دشواری در اجرای آموزش عالی رایگان از منظر عدالت اجتماعی (نظری و مفهومی، فنی و کارشناسی)،
- مقاومت برخی از ذی‌نفعان در برابر اجرای اصل سسی‌ام قانون اساسی به دلیل تعارض منافع (محیطی و درونی نظام آموزش عالی).

متخصص (محیطی)،
- چالش دیوان‌سالاری و تعدد نهادهای مجری و سیاستگذار در برنامه‌ریزی، تأمین و آموزش نیروی انسانی متخصص (نهادی)،
- گرایش داوطلبان دانشگاه به رشته‌های خاص و تقاضای پایین برای برخی دیگر از رشته‌ها (محیطی)،

۱. مقدمه

آموزش عالی مانند هر بخش دیگری از جامعه برای توسعه و بالندگی نیاز به تأمین مالی مناسب و استفاده بهینه از منابع مالی دارد. منابع مالی آموزش عالی در اکثر کشورهای دنیا به صورت ترکیبی از کمک‌های دولت و همراهی بخش خصوصی تأمین می‌شود [۲]. اما همواره یک سؤال اساسی وجود دارد مبنی بر اینکه آیا تأمین اعتبارات آموزش عالی از تکالیف دولت است یا اینکه این اعتبارات باید مستقیماً از طرف مردم و سایر ذی‌نفعان پرداخت شود؟ به لحاظ منطقی از آنجاکه از یک طرف آموزش عالی و نیروی‌های تحصیل کرده و متخصص در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناورانه هر کشور نقش بسیار مهمی بر عهده دارند و از طرف دیگر ارائه آموزش عالی از خدمات عام‌المنفعه است، حمایت از آموزش عالی از وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود. البته این به معنای ممانعت از ورود بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خانوارها در آموزش عالی نیست و همان‌طور که بیان شد در اکثر کشورهای شیوه ترکیبی (دولتی - خصوصی) حاکم است. حال میزان، کیفیت و چگونگی حمایت دولت از آموزش عالی پرسش بعدی است که در هر کشوری با توجه به اولویت‌ها و اهداف آن کشور متفاوت است.

کیفیت و چگونگی استفاده از اعتبارات اختصاص یافته به آموزش عالی از این جهت حائز اهمیت است که همواره منابع محدود و نیازها نامحدود هستند، در نتیجه استفاده از منابع عمومی برای این بخش - و البته برای هر بخش دیگری - باید به شکل بهینه انجام شود. تجربه برخی از کشورهای منتخب نشان می‌دهد در همه این کشورها بخش عمده‌ای از اعتبارات آموزش عالی توسط دولت تأمین می‌شود. برای نمونه در سال ۱۳۹۷ در کشورهای اتریش، کانادا، شیلی، دانمارک، آمریکا، ترکیه و ژاپن به ترتیب معادل ۱/۶ درصد، ۱/۲ درصد، ۱ درصد، ۱/۶ درصد، ۰/۹ درصد، ۱/۱ درصد و ۰/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی توسط دولت در آموزش عالی هزینه می‌شود [۳]. در ایران نیز دولت معادل ۰/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی را در این حوزه هزینه می‌کند [۴].

در خصوص ایران علاوه بر تکلیف ذاتی دولت در حمایت از آموزش عالی به دلیل اهمیت راهبردی آن و به عنوان خدمتی که منفعت آن عمومی است، در اصل سسی‌ام قانون اساسی نیز دولت مکلف به ارائه تحصیلات عالی رایگان به مردم شده که البته برای آن حدی تعیین شده است. در این اصل آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». بنابراین، این اصل در دو بخش «آموزش و پرورش» و «تحصیلات عالی» تکلیف دولت را مشخص کرده است. در بخش «آموزش و پرورش» که دربرگیرنده آموزش عمومی است وسایل این آموزش بدون هیچ قید و شرطی برای همه ملت رایگان شده، اما گسترش وسایل تحصیلات عالی رایگان برای ملت، محدود به سرحد خودکفایی شده است. این گزارش قصد دارد به چالش‌ها و موانع اجرای این اصل در بخش تحصیلات عالی که اکنون از آن به عنوان آموزش عالی یاد می‌شود، بپردازد.

موانع و چالش‌های اجرایی‌سازی این اصل با توجه به هدف و مفاهیم مفروض، احصا و با توجه به نظرهای برخی متخصصان حوزه آموزش عالی اولویت‌بندی شده است. البته، گزارش حاضر قصد تبیین حقوقی این اصل را ندارد، بلکه با استفاده از آخرین تعاریف و مفاهیم حقوقی از این اصل که در پژوهش‌ها و مطالعات پیشین به دست آمده است [۵] و به عنوان مفروض پذیرفته شده به بررسی موضوع می‌پردازد.

بر این اساس قبل از ورود به مبحث اصلی باید گفت «در مرور پیشینه کاریست مطلق مفهوم خودکفایی در اسناد نظام حقوقی از جمله سیاست‌های کلی نظام، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری، خودکفایی در رابطه تنگاتنگ و نزدیک با نیازهاست» [۵] در کنار این مطلب هدف و کارکردهای تحصیلات عالی یا آموزش عالی شامل تربیت نیروی انسانی تحصیل کرده (متخصص)، تولید علم (پژوهش)، کارکردهای فرهنگی و غیره است. اما مهم‌ترین کارکرد آموزش عالی که در رابطه با اصل سسی‌ام

معنای «تربیت نیروی انسانی متخصص با کیفیت» است. با قرار دادن این مفهوم در کنار سرحد خودکفایی در این اصل، یک مفهوم بسیار نزدیک به خودکفایی مدنظر اصل سی‌ام قانون اساسی، تأمین و رفع نیاز کشور به نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده با کیفیت است تا حدی که ضرورت و نیاز استخدام نیروی متخصص خارجی در کشور رفع شود و مفروض این گزارش نیز بر این مهم استوار است. لازم به یادآوری است که اصطلاح نیروی متخصص که پس از تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کشور رواج یافته در مفهوم عام، به معنای نیروی کاری است که در یکی از مقاطع تحصیلی دانشگاهی مدرکی کسب کرده باشد [۶]. البته با توجه به تحولات سریع فناوری در جهان، برخی از تخصص‌ها مانند تخصص‌هایی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در خارج از دانشگاه قابل دستیابی است، اما این گزارش معطوف به تحصیلات دانشگاهی است و به موارد خارج از دانشگاه نمی‌پردازد.

۲. چالش‌های اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی

برداشت با نظریه‌های اقتصادی معتبر و منطق حاکم بر اقتصاد مغایرت دارد [۷]؛ بنابراین، برداشت اقتصادی از مفهوم خودکفایی، بحث در خصوص اصل سی‌ام را به بیراهه می‌برد. در واقع باید نیازهای بخش اقتصاد به نیروی انسانی متخصص در کنار نیازهای سایر بخش‌ها مانند فرهنگ، آموزش، سیاست و غیره مورد توجه قرار گیرد. به‌طور خلاصه، تربیت نیروی انسانی متخصص باید به نیازی که در هر بخش جامعه خلق می‌شود؛ پاسخ دهد و با توجه به نیازها و تحولات آینده توسط دولت و به‌صورت رایگان انجام شود. به‌عبارت دیگر نیازها در هر سطحی از شرایط اقتصادی، فرهنگی و غیره که خلق شوند براساس اصل سی‌ام وظیفه دولت است که پاسخ‌گوی نیاز باشد. البته این امر نافی مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی در تأمین نیاز نیست.

یکی دیگر از ابهاماتی که ممکن است در ذهن محققین، سیاست‌گذاران و یا مجریان حوزه آموزش عالی ایجاد شود این است که آیا تأمین مالی پژوهش و فناوری ذیل مفهوم اصل سی‌ام قرار می‌گیرد؟ هرگونه ابهامی در خصوص پاسخ این سؤال در ذهن متولیان امر، می‌تواند کارکرد نظام آموزش عالی کشور را با خدشه مواجه کند. پس لازم است به این مهم توجه شود که پژوهش دانشگاهی و مراحل اولیه چرخه حیات فناوری جزئی از آموزش دانشگاهی قلمداد می‌شود و نمی‌توان این دو را از شمولیت اصل سی‌ام مستثنا کرد.

یکی دیگر از ابهاماتی که درباره این اصل وجود دارد مفهوم «به‌طور رایگان» است. توضیح بیشتر اینکه در خصوص این مهم بین محققان برداشت‌های مختلفی وجود دارد.^۱ یک برداشت ممکن است این باشد که فقط ارائه آموزش به‌صورت رایگان و بدون پرداخت شهریه انجام شود و سایر نیازهای زندگی دانشجویان توسط خود وی تأمین شود. برداشت دیگر این است که هم آموزش و هم امکانات رفاهی رایگان مانند محل اسکان و تغذیه برای دانشجویان

همان‌طور که پیشتر گفته شد، مفروض و پذیره این گزارش از خودکفایی در اصل سی‌ام قانون اساسی، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور است [۵]. تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، نیاز به برنامه‌ریزی نیروی انسانی دارد که لازمه آن برآورد نیازها و تقاضای حال و پیش‌بینی نیازهای آینده است. باید توجه داشت اصل سی‌ام اشاره به تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز از طریق آموزش عالی رایگان دارد و بخش غیررایگان (غیردولتی) را محدود نمی‌کند. بنابراین، برنامه‌ریزی نیروی انسانی در راستای اصل سی‌ام قانون اساسی معطوف به آموزش عالی دولتی و رایگان است و بخش غیردولتی را برای تربیت نیروی انسانی متخصص محدود نمی‌کند. بنابراین اگر کمبودهایی در میزان تربیت نیروی انسانی متخصص به وجود آید، بخش غیردولتی می‌تواند کمبودهای احتمالی را جبران کند. اجرای صحیح و دقیق اصل سی‌ام قانون اساسی دارای چالش‌هایی است که در توسعه و حمایت از آموزش عالی کشور باید مدنظر سیاست‌گذاران و مجریان امر باشد. در ادامه چالش‌های اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی به ترتیب اولویت آمده است. این چالش‌ها را می‌توان در ۶ موضوع کلی مشتمل بر: چالش‌های ۱. نظری و مفهومی، ۲. اجتماعی و سیاسی، ۳. نهادی، ۴. فنی و کارشناسی، ۵. محیطی، ۶. درونی نظام آموزش عالی دسته‌بندی کرد.

۱-۲. عدم برداشت یکسان و برخی ابهامات نزد جامعه علمی و بدنه سیاست‌گذاری از مفهوم سرحد خودکفایی تحصیلات عالی رایگان

وقتی سخن از خودکفایی به میان می‌آید چون این اصطلاح عموماً در اقتصاد به کار می‌رود، برخی کارشناسان و صاحب‌نظران از اصل سی‌ام قانون اساسی خودکفایی اقتصادی را برداشت می‌کنند. این

۱. نشست تخصصی «بررسی چالش‌ها و موانع اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۱.



آمار دقیق از میزان نیروی انسانی متخصص برای استفاده در برنامه‌ریزی نیروی انسانی، بدون لحاظ عدم قطعیت‌ها و پویایی بازار و مشاغل، میزان خطای برنامه‌ریزی را زیاد می‌کند. این امر به دلایلی مانند عدم تمایل بخشی از نیروی انسانی برای مشارکت در بازار کار تخصصی یا تمایل به کار در زمینه‌های دیگری غیر از رشته تخصصی است که باید در برنامه‌ریزی لحاظ شود.

۲-۳. مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی و نیروهای متخصص

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل نیروی انسانی، مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی از کشورهای در حال توسعه به سمت کشورهای توسعه‌یافته است [۹]. داده‌های رصدخانه مهاجرت ایران نشان می‌دهد در سال‌های اخیر میل به مهاجرت در میان نخبگان و متخصصان ایرانی رشد و شتاب زیادی گرفته است [۱۰]. این موضوع یکی از عواملی است که برنامه‌ریزی نیروی انسانی را با چالش مواجه می‌کند. پیچیدگی برآورد میزان مهاجرت و افزایش و کاهش دقیق آن به دلیل عوامل و علل غیرقابل پیش‌بینی، بر دشواری موضوع می‌افزاید و برنامه‌ریزی نیروی انسانی مورد نیاز را سخت‌تر می‌کند. به‌عنوان نمونه در حالی که نظام سلامت کشور موفق شده بود با تأمین نیروی انسانی متخصص و باکیفیت، بخش عمده‌ای از نیازهای بهداشتی و سلامت کشور را تأمین کند، موج مهاجرت نیروی سلامت به‌خصوص نیروهای کیفی این بخش زنگ خطری جدی برای سلامت مردم است. به‌خصوص اینکه از سال ۱۳۹۹ شیب درخواست «گواهی حسن شهرت»^۱ افزایش پیدا کرده است.^۲

۲-۴. ضعف در نظام اطلاعات بازار کار و اطلاعات نیروی انسانی متخصص

برای برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی متخصص در راستای اصل سی‌ام قانون اساسی، وجود نظام اطلاعات بازار کار ضروری است. این نظام می‌تواند در کاهش هزینه شغل‌یابی برای نیروی کار و بنگاه‌ها، افزایش انطباق بین عرضه و تقاضای بازار کار، افزایش کارایی نظام آموزشی به‌همراه افزایش اطلاعات بر پایه فرصت‌های یادگیری، تنظیم بازار کار و در نهایت کمک به تصمیم‌گیری درست سیاستگذاران در بازار کار مؤثر واقع شود. در حالی که برخی کشورهای توسعه‌یافته، دارای سامانه‌های رصد اشتغال برای

فراهم شود. برداشت سوم هم این است که علاوه بر تأمین آموزش و امکانات رفاهی رایگان، به دانشجو حقوق هم پرداخت شود تا سایر نیازمندی‌های وی از جمله نیاز به پوشاک و غیره تا پایان تحصیلات توسط دولت تأمین شود. موارد گفته شده ابهامات مختلفی هستند که در اصل سی‌ام قانون اساسی سیاستگذاران و مجریان با آن مواجه هستند.

۲-۲. دشواری برنامه‌ریزی و نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در سطح کشوری و استانی

تأمین نیروی انسانی متخصص نیازمند برنامه‌ریزی نیروی انسانی است. سه بخش مهم این برنامه‌ریزی شامل برآورد و نیازسنجی نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، چگونگی تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و تعیین منابع مورد نیاز است. برنامه‌ریزی نیروی انسانی باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند «نحوه آرایش نیروهای متخصص را در سطوح مختلف و براساس گروه‌های عمده شغلی، گروه‌های عمده فعالیت، رشته و سطوح تحصیلی شناسایی کند. سپس نیروهای انسانی مورد نیاز سال‌های آینده را براساس هدف‌های کمی و کیفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و با توجه به روش‌های موردنظر برنامه‌ریزی و برآورد کند» [۶]. یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی و پیش‌بینی نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور، استفاده از ماتریس‌های نیروی انسانی است. براساس این ماتریس‌ها می‌توان الگوی توزیع منابع انسانی را که ناشی از سیاست‌ها و مدیریت کلان کشور است، بهتر شناسایی کرد. اگر این ماتریس‌ها برای چند مقطع زمانی تهیه و تدوین شوند با مقایسه اجزای آن می‌توان سمت‌وسوی حرکت نیروی انسانی را به‌عنوان یک پدیده پویا، در طول زمان پیگیری کرد. ماتریس سطح تحصیلی - گروه فعالیت، ماتریس گروه فعالیت - گروه شغلی، ماتریس سطح تحصیلی - گروه شغلی، ماتریس رشته تحصیلی - گروه شغلی، ماتریس گروه فعالیت - گروه شغلی، ماتریس گروه شغلی - وضع شغلی، ماتریس سطح شغلی - وضع شغلی و ماتریس رشته تحصیلی - سطح تحصیلی از جمله ماتریس‌های بااهمیت برای برنامه‌ریزی نیروی انسانی به‌خصوص نیروی انسانی متخصص هستند [۸].

بنابراین، برنامه‌ریزی نیروی انسانی که نیاز به آمارهای دقیق از وضعیت موجود نیروی انسانی و نیازهای بازار کار دارد، در شرایط کنونی در کشور دچار ضعف‌های جدی است. البته حتی احصای

فره‌یختگان و نخبگان فرهنگی، سیاسی و غیره دارد.

۶-۲. دشواری در تطابق مهارت و کیفیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نیازهای جامعه و بازار کار

در حال حاضر تناسب قابل‌قبولی بین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها با توجه به تحولات، تغییرات و تازه‌های بازار کار مشاهده نمی‌شود. [۱۲] و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی به‌کندی انجام می‌شوند. علاوه بر این آموزش‌های دانشگاهی در ایران به‌خصوص در گروه‌های غیرپزشکی بیشتر متکی به مباحث نظری است و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مهارت‌های لازم تخصصی و شناختی جهت ورود به بازار کار را کسب نمی‌کنند [۱۲]. بنابراین، صرف پذیرش و فارغ‌التحصیل کردن دانشجوی حتی اگر به لحاظ کمی بیش از نیاز کشور باشد به مفهوم تأمین نیاز نیست. فارغ‌التحصیلی می‌تواند به تأمین نیاز کشور کمک کند که حداقل مهارت‌های مورد نیاز حوزه تخصصی خود را فرا گرفته باشد و یا توانایی فراگیری آن را داشته باشد. برای مثال پزشک متخصصی که قدرت تشخیص بیماری و یا جراحی که مهارت جراحی نداشته باشند، نمی‌توانند کمکی به تأمین نیاز در حوزه تخصصی خود کنند. بنابراین، یکی از چالش‌های موجود در تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور برطرف کردن کاستی‌های موجود در مهارت‌آموزی و به‌روزرسانی محتوا و برنامه‌های درسی در انطباق با تحولات علمی و فناوری و نیازهای بازار کار است که بی‌توجهی به آن در آینده برای سیاستگذاران و مجریان در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی و تأمین نیاز تا سرحد خودکفایی مشکل‌زا خواهد بود.

۷-۲. نبود پیش‌توانه‌تقنینی و نظارتی برای اجرای اصل سی‌ام ناظر به آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی

در موارد بسیاری اجرای اصول قانون اساسی نیاز به قوانین عادی پشتیبان و مقررات مرتبط دارد. اصل سی‌ام قانون اساسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصولی که به آموزش اختصاص دارد از این امر مستثنا نیست. البته به‌دلیل ابهاماتی که در این اصل وجود دارد، لزوم قوانین پشتیبان برای اجرای این اصل از اهمیت مضاعفی برخوردار است. یعنی نه تنها در قوانین دائمی بلکه در قوانین توسعه و قوانین بودجه‌سالیانه باید با دو مشخصه خودکفایی و مصرف‌بهینه و هدفمند اعتبارات عمومی بر اجرای اصل سی‌ام در حوزه آموزش عالی تأکید شود. بدون قوانین پشتیبان، ابهامات دستگاه‌های اجرایی در جهت تحقق این اصل به‌قوت خود باقی

کارجویان و دانشجویان و سیاستگذاران طراحی و اجرا کرده‌اند مانند شبکه اطلاعات شغلی^۱ آمریکا و بنیاد توسعه حرفه‌آموزی اروپا^۲. نظام اطلاعات بازار کار کشورمان به لحاظ ساختاری و داده‌دارای ایراداتی است. این نظام اطلاعاتی باید بتواند هر دو بخش دولتی و غیردولتی را پوشش دهد، زیرا در اصل سی‌ام قانون اساسی عبارت «سرحد خودکفایی کشور» نه تنها نیازهای کشور در بخش دولتی، بلکه نیازهای بخش غیردولتی را نیز شامل می‌شود. فقدان الگو و راهبرد مشخص در خصوص سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و سازماندهی آماری، فقدان متولی مشخص، پراکندگی و موازی‌کاری، فقدان سازوکار نظارتی و فقدان تکلیف قانونی مصرح در شرح وظایف نهادهای متولی آمار و اطلاعات بازار کار از جمله ایرادات ساختاری است. علاوه بر این، عدم استقرار نظام جامع ثبتی مبنای نواقص پرسش‌نامه و وزن‌دهی، نواقص آمار عملکرد کاربایی‌ها و داده‌های سمت تقاضا، فقدان داده‌های مربوط به کارگاه‌های خرد و عدم استخراج داده‌هایی نظیر اندازه‌گیری مهارت، فرصت‌های شغلی خالی، آمار سازمان‌های آموزشی و مهارت‌آموزی کشور و داده‌های خرد سمت تقاضای نیروی کار از جمله ضعف‌های داده‌ای و آماری است [۱۱]. این وضعیت که کل نظام اطلاعات بازار کار کشور با آن دست‌به‌گریبان است، برآورد نسبی میزان نیروی انسانی متخصص مورد نیاز را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

۵-۲. مقاومت اجتماعی در صورت عدم تبیین صحیح هدف از اجرای اصل سی‌ام

نظام آموزش عالی تاکنون بخشی از ظرفیت همه رشته‌های دانشگاهی را با استفاده از اعتبارات عمومی اداره کرده است. به‌نظر می‌رسد چنانچه دولت براساس یک برنامه‌ریزی و نیازسنجی دقیق تصمیم به محدود کردن پذیرش رایگان در برخی از رشته‌ها بگیرد، با مقاومت اجتماعی هم از طرف جامعه دانشگاهی و هم مردم روبه‌رو خواهد شد. مردم و داوطلبان آموزش عالی که ذی‌نفعان اصلی آموزش عالی هستند به‌دلیل نگرانی از ناتوانایی در پرداخت هزینه‌های آموزش عالی و یا نگرانی از محدود شدن آموزش رایگان ممکن است در برابر این موضوع مقاومت نشان دهند. علاوه بر این با گذشت چند دهه متوالی از ارائه آموزش عالی رایگان در ایران، ایجاد شبهه بر چیده شدن کامل آموزش عالی رایگان برای جامعه غیرقابل پذیرش و احتمالاً تکان‌دهنده خواهد بود. بنابراین، حرکت بر محور اصل سی‌ام قانون اساسی نیاز به تبیین موضوع از روش‌های مختلف مانند رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی برای ذی‌نفعان،

1 Occupational Information Network

2 European Centre for the Development of Vocational Training



۹-۲. تلاطم‌های اقتصادی و دشواری در پیش‌بینی،

برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در منابع مالی آموزش عالی

مطالعات بانک جهانی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، در آموزش عالی بازده اقتصادی و اجتماعی بالایی دارد و دانشگاه می‌تواند خالق بسیاری از ارزش‌های فردی باشد [۱۵]. اما، این سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه‌های آموزش عالی آن‌هم به صورت رایگان نیازمند ثبات نسبی اقتصادی و توانایی دولت‌ها در تأمین آن است. اقتصاد ایران حداقل در ۶ دهه اخیر وابستگی بسیاری به درآمدهای نفتی و فروش مواد خام داشته و سهم فروش کالا و خدمات فناورانه در اقتصاد بسیار ناچیز بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۹، بیش از ۵۴ درصد از صادرات صنعتی ایران محصولات خام و نیمه‌خام بوده و فقط حدود ۵/۰ درصد از صادرات صنعتی ایران مربوط به صادرات محصولات با فناوری پیشرفته بوده است [۱۶]. بنابراین «بخش مهمی از مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت از محل صادرات نفت و مواد خام تأمین می‌شود. علاوه بر این واردات کالاهای سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی نیز تا حدود زیادی به صادرات نفت وابسته است [۱۷]». با توجه به اینکه بخش مهمی از اقتصاد ایران وابسته به صادرات نفت است می‌توان هنوز اقتصاد ایران را یک اقتصاد تک‌محصولی دانست که به شدت تحت تأثیر عوامل خارجی از جمله نوسانات جهانی قیمت نفت و میزان خریدهای خارجی نفت از ایران است. از این رو کاهش خرید نفت از ایران و نوسانات قیمت نفت به شدت بر سرمایه‌گذاری‌های و برنامه‌های مختلف دولت تأثیرگذار است [۱۸]. بنابراین هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی از جمله در حوزه آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی متخصص در جهت تحقق اصل سی‌ام قانون اساسی باید با در نظر گرفتن این واقعیات انجام شود.

۱۰-۲. چالش حفظ کارآمدی آموزش عالی و تأمین مالی

رایگان آن در تربیت نیروی انسانی

برنامه‌ریزی برای تأمین نیروی انسانی متخصص نیاز به برنامه‌های تکمیلی از جمله برنامه مناسب برای هزینه‌کرد بهینه و صحیح اعتبارات و منابع مرتبط دارد. عدم برنامه‌ریزی صحیح در هزینه‌کرد منابع به ناکارایی برنامه اصلی، انحراف از اهداف، هدررفت منابع بی‌عدالتی منجر خواهد شد. بنابراین، یافتن بهترین شیوه توزیع منابع و برنامه‌ریزی از منظر حفظ کارکردهای اصلی و کیفیت آموزش عالی چالش دیگری است که در تأمین نیروی انسانی

خواهد ماند و هر کدام به سلیقه و تفسیر خود در این خصوص عمل خواهند کرد که باید گفت «یکی از شیوه‌های نقض قانون اساسی تفاسیر مختلف و متعدد از قانون است» [۱۳]. یکی دیگر از مزایای قوانین پشتیبان، شفاف شدن تکالیف دستگاه‌های مرتبط در این باره و افزایش نظارت‌پذیری اجرای این اصل از روش‌های مختلف مانند امکان نظارت مجلس شورای اسلامی است. بنابراین لازم است برای اجرای برخی از اصول مهمی که تحقق آنها به خوبی و منطبق با اهداف قانون اساسی انجام نشده هم قانونگذاری انجام شود و هم اهتمام دولت به عمل بر مبنای آنها بیشتر شود که یکی از مصادیق آن اصل سی‌ام در حوزه آموزش عالی است.

۸-۲. پویایی و سیالیت مشاغل (پویایی نیازهای بازار کار)

تحولات منطقه‌ای و جهانی نشان می‌دهد تقاضای نیروی کار به سمت گروه‌های فعالیت، گروه‌های شغلی و بخش‌های اقتصادی خاصی جهت‌گیری کرده است. یکی از کانون‌های تمرکز پیرامون نیروی کار متخصص، در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. تحولات سریع و پیشرفت همه‌جانبه علوم و فناوری در دنیای امروز آن قدر شگرف و عظیم بوده است که از آن به انقلاب صنعتی چهارم یاد می‌شود که در بستر انقلاب دیجیتال آغاز شده است. اینترنت اشیا، اینترنت خدمات و اینترنت اشیا صنعت، کلان‌داده، هوش مصنوعی، زنجیره بلوکی (بلاک‌چین)^۱ و رایانش ابری از مفاهیم و فناوری‌های نوظهوری هستند که در انقلاب صنعتی چهارم نقش بسزایی خواهند داشت. این تحولات نیازمندی‌های نوینی را در کسب و کار و بازار ایجاد می‌کند. در واقع نیروی کار آینده باید دارای شایستگی‌هایی جدید باشد. بنابراین «باید فرصت‌هایی را برای این نیروی کار فراهم کرد تا بتواند از آموزش باکیفیت برخوردار شود و این مهارت‌های جدید و ضروری را فراگیرد» [۱۴]. البته شناسایی این نیازمندی‌ها و تربیت نیروی انسانی متناسب با آن کار دشواری است و آمادگی برای مواجهه با این موضوع از ضروریات است. فراهم کردن زیرساخت‌ها و منابع مورد نیاز برای تربیت نیروی انسانی در برخی موارد امری زمان‌بر بوده و تعلل در تربیت این نیروها ممکن است خسارت‌هایی را متوجه کشور کند. بنابراین، دولت باید زیرساخت‌ها و منابع مورد نیاز برای تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور فراهم کند. هر چند همان‌طور که بیان شد پیش‌بینی این تحولات و به تبع تربیت نیروی انسانی متخصص متناسب با آن (مواجهه فعال) کاری مشکل است.

1. Blockchain

۱۲-۲. عدم کنترل و جهت‌دهی علایق شغلی نیروی‌های آموزش دیده و متخصص به سمت نیازهای شغلی کشور
تصویر دانش‌آموختگان آموزش عالی از شغل آینده خود و فرهنگ کار از عوامل شکل‌گیری توقعات و علایق شغلی هستند که در اشتغال سریع و مدت بیکاری دانش‌آموختگان بسیار مؤثر است. نظام آموزشی و خانواده ارزش‌ها و علایقی را در ارتباط با کار و اشتغال در جوانان درونی می‌کنند که دانش‌آموختگان پس از اتمام تحصیلات به امید دستیابی به آنها وارد بازار کار می‌شوند. برخی از این توقعات و علایق ممکن است با نیاز جامعه همخوانی نداشته باشد و نیروی متخصص در اشغال موقعیت‌های شغلی تعلق کنند یا به‌طور کلی منصرف شوند [۸]. هر چند نظام آموزشی با هدایت تحصیلی بر اساس استعداد و علاقه می‌تواند این چالش را تبدیل به فرصت کند اما باز هم عده‌ای هستند که پس از فارغ‌التحصیل شدن علاقه‌مند به اشتغال در رشته تحصیلی خود نیستند. بنابراین پیش‌بینی این مورد توسط سیاستگذار و مجری در برآورد میزان نیروی متخصص مورد نیاز از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱۳-۲. چالش شناخت مزیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق آمایشی و پیوند آن با کارکردهای آموزش عالی
یکی از چالش‌هایی که همواره در نظام آموزش عالی ایران وجود داشته، کم‌توجهی به نیازهای منطقه‌ای و صنعتی و اقتصادی کشور در تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بوده است. توجه به نیازهای منطقه‌ای و جغرافیایی در تربیت نیروی انسانی و گره زدن بخش عمده آموزش عالی به نیازهای منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین تبعات بی‌توجهی به این مقوله توزیع نامتوازن نیروی انسانی در کشور خواهد بود که مغایر با هدف مقنن در قانون اساسی است. یعنی با وجود تربیت نیرو و پرداخت هزینه‌های آن، همچنان نیاز به نیروی متخصص وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال بین استان‌های کشور در بهره‌مندی از امکانات و خدمات سلامت اختلاف و نابرابری وجود دارد. با توجه به اینکه سلامت جامعه علاوه بر اینکه تابعی از کمیت نیروی انسانی و امکانات بهداشتی و درمانی است، تابعی از توزیع این نیروها بر حسب تخصص و گروه شغلی نیز می‌باشد، بنابراین توجه به این موضوع در بین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان باید از اهمیت بالایی برخوردار باشد [۲۰]. به‌طور خلاصه، توزیع متوازن سرمایه‌های انسانی در کشور، توجه به کمبودهای مناطق مختلف

متخصص خودنمایی خواهد کرد. برای مثال سال‌ها در ایران توزیع اعتبارات بر محور سرانه دانشجو هر دانشگاه و رشته تحصیلی توزیع می‌شده است [۱۹]. این شیوه بودجه‌ریزی نمی‌تواند انگیزه دانشگاه‌ها برای رقابت علمی و تلاش برای افزایش سطح کیفی خدمات آموزشی را برانگیزاند. نتیجه این شیوه بودجه‌ریزی، پیشی گرفتن رشد کمی بر رشد کیفی و افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بود که شرح آن رفت. بنابراین، یک برنامه‌ریزی که صرفاً برای تأمین نیروی انسانی به لحاظ کمی است و کیفیت را نادیده بگیرد موفق نخواهد بود و نمی‌تواند هدف اصل سی‌ام قانون اساسی را تحقق بخشد. بنابراین دولت باید برای حفظ کارآمدی و رقابت بین دانشگاه‌ها ضمن تعیین شاخص‌های عملکرد کیفی، در خصوص ساختارهای اداری نظام علمی (مثل استخدام اعضای هیئت علمی، ارتقای هیئت علمی، نوع قراردادهای کارکنان هیئت علمی و غیره) حقوق و مزایا و ... بازاندیشی کند که این خود یک چالش جدی برای دولت خواهد بود.

۱۱-۲. مشکل تعیین دقیق سرحد خودکفایی از منظر کمی و کیفی و تعیین شاخص‌های آن
تعیین سرحد خودکفایی از منظر تعیین کمیت و کیفیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، می‌تواند یکی از چالش‌ها و مشکلات اجرایی‌سازی اصل سی‌ام قانون اساسی باشد. از اینرو سیاستگذار باید بداند تأمین نیاز حال و آینده با تحقق کدام اهداف کمی و کیفی تحقق می‌یابد و در چه شرایطی نیاز کشور به نیروی انسانی متخصص تأمین شده است، تا بتواند با توجه به آن برنامه‌ریزی و مدیریت منابع خود را انجام دهد. مسلماً این امر به تعیین شاخص‌های خودکفایی ناظر به تأمین نیروی انسانی متخصص نیاز دارد. برای مثال ممکن است بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به‌عنوان یک شاخص در نظر گرفته شود و بیکاری بالاتر از ۲۰ درصد به‌عنوان سرحد خودکفایی تعیین شود. در این شرایط اگر عوامل دیگری مانند رشد اقتصادی در سال‌های آتی، مهاجرت، هرم جنسی جمعیت شاغل، هرم سنی جمعیت و سایر عوامل در نظر گرفته نشود ممکن است این شاخص برای سرحد خودکفایی دارای خطای فاحش باشد. به این ترتیب تعریف شاخص‌های دیگر برای تعیین سرحد خودکفایی هم ضروری و هم دارای حساسیت و پیچیدگی است که باید سیاستگذار در تعیین آنها اقدامات لازم را انجام دهد.



خلاصه جمعیت زنان دانشجویان با وجود فراز و فرودهای مختلف در چهل سال گذشته، طبق آخرین آمار موجود نسبت به سال ۱۳۵۷ بالغ بر ۲۹۰۰ درصد رشد داشته یعنی بیش از سی برابر شده است [۲۱]. بنابراین باید انتظار رشد روزافزون مشارکت زنان در بازار کار و تغییر هرم جنسی اشتغال را داشت. در این شرایط سیاستگذاران در برنامه‌ریزی نیروی انسانی متخصص در راستای اصل سی‌ام قانون اساسی باید هرم جنسی نیروی متخصص را مدنظر داشته باشند.

بعد دیگر این بحث که لازم است دولت به آن توجه داشته باشد، هماهنگی و تناسب بین هرم جنسیتی فراگیران آموزش عالی و نیازمندی‌های شغلی کشور است. در هر حال مشاغل موجود و آینده کشور از نظر شرایط احراز ملزوماتی دارند و این مهم باید در برنامه‌ریزی نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد تا در عمل دولت بتواند به نیازهای شغلی پاسخ دهد.

۱۵-۲. چالش دیوان‌سالاری و تعدد نهادهای مجری و سیاستگذار در برنامه‌ریزی، تأمین و آموزش نیروی انسانی متخصص

تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور در راستای عمل به اصل سی‌ام قانون اساسی، مستلزم سه بخش شناسایی و برآورد نیروی انسانی مورد نیاز، تأمین‌کننده منابع مالی و بخش آموزش و تربیت نیروی انسانی است. در لایه سیاستگذاری این مهم، مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از نهادهای مهم و اثرگذار هستند. در لایه تنظیم‌گری نیز سازمان برنامه و بودجه، وزارخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شوراهای گسترش آموزش عالی وابسته به وزارخانه‌های پیش‌گفته، سازمان اداری و استخدامی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هستند که هر کدام از این دستگاه‌ها دارای بخش‌ها و زیربخش‌های مختلفی هستند که هماهنگی بین آنها را دچار مشکل کرده است و همین تعدد و ناهماهنگی بیانگر وجود دیوان‌سالاری زیاد و پیچیدگی در روابط این دستگاه‌هاست.

در لایه اجرا که دانشگاه‌ها هستند، برخی از آنها اقدام به پذیرش دانشجویان در رشته‌های مشابه می‌کنند که می‌توان از آن به موازی‌کاری در تربیت نیروی انسانی متخصص یاد کرد. برای مثال رشته علوم تربیتی در بسیاری از دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم دایر است و هم‌زمان دانشگاه فرهنگیان نیز به تربیت نیرو در رشته

و سایر نیازهای اقتصادی و صنعتی کشور از جمله مواردی است که سیاستگذار در شاخص‌گذاری و اولویت‌بندی صحیح برای تربیت نیروی انسانی متخصص و حرکت در راستای اصل سی‌ام قانون اساسی باید به آن توجه داشته باشد.

۱۴-۲. تحولات جمعیتی و دشواری پیش‌بینی کم و کیف نیروی انسانی متخصص

یکی از چالش‌ها و مراحل مهم پیش‌روی دولت در برآورد نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در راستای اصل سی‌ام قانون اساسی، شناخت و رصد تحولات جمعیتی و شناخت درست وضعیت منابع انسانی به لحاظ جمعیت فعال و شاغل است. برای برآورد تقاضا و عرضه نیروی کار در آینده، توجه به وضعیت عوامل جمعیتی مانند میزان جمعیت، جمعیت در سنین فعالیت، ضریب فعالیت و امکانات آموزشی جامعه ضروری است [۱۲]. همچنین بررسی و تحلیل تغییرات جمعیت کشور و پیش‌بینی رشد آن در آینده به تفکیک گروه‌های سنی، جنسی و منطقه‌ای برای تحلیل و سیاستگذاری منابع انسانی، به‌ویژه نیروی انسانی متخصص از اهمیت بالایی برخوردار است. به هر حال رشد جمعیت کشور در بازه‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است. برای مثال رشد جمعیت کشور در دهه‌های ۱۳۴۵-۱۳۳۵، ۱۳۶۵-۱۳۵۵ و ۱۳۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب ۳/۱، ۳/۹ و ۱/۹۶ درصد بوده که نتیجه چنین تحولاتی، تغییر در نیاز به نیروی انسانی متخصص است که پیش‌بینی نسبی و در نظر داشتن چنین تحولاتی بسیار مهم است. علاوه بر این آینده‌نگری جمعیتی به تفکیک گروه‌های سنی مانند جمعیت کمتر از ۱۵ سال، ۱۵ تا ۶۴ سال و غیره نقش مهمی در بررسی جمعیت دارند و شاخص‌های مهمی در برآورد نیروی انسانی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت هستند. علاوه بر تحولات کلی جمعیت، مهاجرت‌های درون‌کشوری مانند مهاجرت از روستاها به شهرها یا برعکس [۸] و همچنین مهاجرت‌های جغرافیایی نیز از مواردی هستند که در برنامه‌ریزی و تأمین نیروی انسانی باید مدنظر سیاستگذار و مجری باشند.

یکی دیگر از ابعاد این چالش، متناسب بودن هرم جنسی اشتغال و هرم جنسی نیروی متخصص است. تغییرات میزان مشارکت زنان و مردان در بازار کار و پیش‌بینی نسبی این تغییرات از جمله مواردی است که در برآورد نیروی متخصص تأثیرگذار است. آمارها نشان می‌دهد مشارکت زنان در آموزش عالی ایران در چهار دهه گذشته رو به افزایش بوده و از حدود ۳۰ درصد در سال ۱۳۵۷ به حدود ۵۰ درصد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ رسیده است [۲۱]. به‌طور

نمی‌شود. برای مثال ظرفیت بسیاری از تخصص‌های پزشکی مانند طب اورژانس، کلیه و مجاری ادرار، اطفال و غیره تکمیل نمی‌شود و ادامه وضع موجود، کشور را با کمبود شدید پزشک در این تخصص‌ها مواجه خواهد کرد. در رشته‌های علوم پایه نیز هر چند شاید بیشتر از نیاز کشور فارغ‌التحصیل وجود داشته باشد، ولی تمایل داوطلبان مستعد و باانگیزه به این رشته‌ها کاهش پیدا کرده که نتیجه نهایی آن، کاهش کیفیت در این رشته‌ها و عقب‌افتادگی علمی خواهد بود. با این توضیحات مشخص است که برنامه‌ریزی برای تأمین و توسعه نیروی انسانی متخصص در برخی از رشته‌ها و تخصص‌ها تنها با تأمین منابع مالی و فراهم آوردن زیرساخت‌های آموزشی میسر نیست، بلکه به پیش‌بینی ابزارهای تشویقی و انگیزشی به خصوص در رشته و تخصص‌های مهم و کم‌مقتضای نیاز دارد. بنابراین براساس اصل سی‌ام قانون اساسی وظیفه دولت است که در تخصص‌های مورد نیازی که به هر دلیلی از اقبال عمومی برخوردار نیستند، با ابزارهای مختلف نیاز کشور را تأمین کند. در این باره هر چند دولت می‌تواند با تعیین مشوق‌هایی داوطلبان را به سمت رشته‌های مورد نیاز خود سوق دهد؛ اما از نظر تأمین مشوق‌های انگیزاننده (مانند کمک‌های بلاعوض به دانشجویان و بورسیه کردن دانشجویان به‌عنوان سیاست‌های کوتاه‌مدت و اصلاح نظام پرداخت مشاغل در بلندمدت) دچار چالش خواهد شد.

۱۷-۲. دشواری در اجرای آموزش عالی رایگان از منظر عدالت اجتماعی

در تأمین نیاز کشور به نیروی متخصص و در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی، حمایت از استعدادها برتر، حمایت از اقشار محروم، توجه به نیازها و قابلیت‌های منطقه‌ای (آمایش) و حفظ کیفیت و کارکرد آموزش عالی در برخورداری از آموزش عالی رایگان چهارگانه‌ای هستند که در توزیع عادلانه اعتبارات عمومی باید مدنظر باشند و ضروری است سیاستگذار تعادل میان این متغیرها را رعایت کند. در واقع رعایت عدالت اجتماعی در توزیع منابع عمومی یکی از مباحث بسیار مهم بوده که در قانون اساسی نیز تأکید زیادی بر آن شده است. در اصل سوم قانون اساسی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران بر شمرده شده است. همچنین در بخشی از پاسخ تفسیری شورای نگهبان به مجموعه سؤالات در خصوص اصل سی‌ام قانون اساسی آمده است: «آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح

علوم تربیتی برای تصدی مشاغل معلمی می‌پردازد. نتیجه این شرایط افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و هدررفت منابع است. شاهد دیگر اینکه رشته‌های مشابه مانند ژنتیک، بیوشیمی، میکروبی‌شناسی، بافت‌شناسی (تکوین جانوری) و روانشناسی بالینی نمونه‌هایی از رشته‌هایی است که در دانشگاه‌های تحت نظارت هر دو وزارتخانه علوم و بهداشت آموزش داده می‌شود. در هر حال تصمیم‌گیری دولت در خصوص چنین وضعیتی در راستای ساماندهی آن چالش‌زاست.

در مجموع یکی از چالش‌های پیش‌روی سیاستگذار و مجری در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی ایجاد هماهنگی در راهبری آموزش عالی و مدیریت منابع مالی برای جلوگیری از اتلاف منابع و دوباره کاری‌هاست. نداشتن متولی واحد و ناهماهنگی بین دستگاهی در سطوح سیاستگذاری، تنظیم‌گری و اجرا در حوزه آموزش عالی منجر به ایجاد ۱۵۰۰ مؤسسه آموزش عالی و پژوهشی دولتی شده است که بسیاری از آنها در فواصل جغرافیایی و به صورت منفک شده از همدیگر در حال فعالیت هستند. این امر هدررفت منابع دولت را در پی دارد، زیرا هزینه‌های پرسنلی و تملک دارایی سرمایه‌ای این مجموعه‌ها بسیار بالاست و اداره آنها هزینه‌های زیادی را به دولت تحمیل کرده است [۸]. بنابراین تصمیم‌گیری در خصوص ادامه این وضعیت یا هرگونه تغییر در آن با چالش‌ها و مقاومت‌هایی از سوی دستگاه‌های اجرایی در لایه‌های متعدد آموزش عالی همراه خواهد بود.

۱۶-۲. گرایش داوطلبان دانشگاه به رشته‌های خاص و تقاضای پایین برای برخی دیگر از رشته‌ها

برنامه‌ریزی دولت‌ها برای تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، به دلیل تفاوت، شدت و ضعف تقاضای اجتماعی به سمت تخصص‌ها و رشته‌های مختلف مشکل است. در دهه‌های اخیر با افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در اغلب رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی، تقاضای آموزش عالی به سمت رشته‌های خاص جهت‌گیری کرده است. شاهد این ادعا افزایش داوطلبان گروه آزمایشی علوم تجربی به حدود ۵۰ درصد از کل داوطلبان در سال‌های اخیر است. این تقاضا در دانشگاه به سمت رشته‌های گروه پزشکی به خصوص سه رشته دندانپزشکی، پزشکی و داروسازی است. تأثیرات بازار کار بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی تا حدی است که حتی در تخصص‌های مرتبط با رشته‌های پرطرفداری مانند پزشکی برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای تربیت نیروی متخصص محقق



شواهدی که در این بخش به آنها اشاره شد یکی از چالش‌های مجریان و سیاستگذاران در فراهم کردن شرایط عادلانه، بهره‌مندی از تحصیلات عالی رایگان است.

۱۸-۲. مقاومت برخی از ذی‌نفعان در برابر اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی به دلیل تعارض منافع (محیطی و درونی نظام آموزش عالی)

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی باید به نیازهای واقعی و مختلف کشور توجه داشت و مبتنی بر آنها، برای تربیت نیروی انسانی متخصص برنامه‌ریزی کرد. توجه به نیازها ایجاب می‌کند که آمایش سرزمین و ساماندهی رشته‌ها و واحدهای دانشگاهی در دستور کار سیاستگذاران و مجریان قرار گیرد. اما، به احتمال بسیار قوی هر گونه ساماندهی، تجمیع و یا انحلال رشته‌ها و واحدهای دانشگاهی مورد پذیرش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مسئولان آنها قرار نخواهد گرفت، زیرا هویت حرفه‌ای خود را وابسته به مؤسسه محل اشتغال خود می‌دانند و از به خطر افتادن جایگاه و موقعیت حرفه‌ای خود نگران خواهند شد. همچنین به احتمال زیاد ذی‌نفعان سیاسی مانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی و استانداران نیز در برابر چنین تغییراتی مقاومت خواهند کرد. علاوه بر این نوع قرارداد استخدامی (رسمی) اعضای هیئت علمی مقاومت در برابر هر گونه ساماندهی رشته‌ها و واحدهای دانشگاهی را افزایش خواهد داد. در هر صورت یکی از چالش‌های پیش‌روی تحقق اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی و تحقیقات، تعارض منافع در سطح مسئولین و اعضای هیئت علمی خواهد بود.

مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید [۲۲]. در این رابطه با توجه به تأکید بر مستضعفان و مستعدان در نظریه تفسیری شورای نگهبان، تأمین آموزش عالی رایگان بدون توجه به عدالت اجتماعی مغایر با روح قانون اساسی است. بنابراین یکی از چالش‌های موجود این است که توزیع اعتبارات عمومی به گونه‌ای باشد که در برخورداری اقشار محروم و دهک‌های پایین جامعه از این اعتبارات و سهم این اقشار از آموزش عالی تأثیر منفی نداشته باشد و در بالا بردن سهم این اقشار از آموزش عالی و کاهش شکاف بین طبقات اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز کمک‌کننده باشد. یکی از گلوگاه‌هایی که ممکن است عدالت آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد؛ روش و کیفیت سنجش و پذیرش دانشجو است. تاکنون شیوه پذیرش دانشجو مبتنی بر بومی‌گزینی و سهمیه‌های مناطق و سایر سهمیه‌ها بوده که دارای ملاحظات در حوزه عدالت اجتماعی و کیفیت پذیرفته‌شدگان برای گروه‌های علمی و رشته‌های بهره‌مند از آموزش رایگان است. باید اذعان کرد که امکانات آموزش و پرورش و تحصیلات عمومی با کیفیت و کمیت مشابه در مناطق مختلف کشور توزیع نشده‌اند. علاوه بر این سطح مالی خانواده دانش‌آموزان و داوطلبان ورود به آموزش عالی بسیار متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهد عوامل پیش‌گفته نقش مهمی از یک‌سو در میزان تمایل داوطلبان به ادامه تحصیل در مقاطع عالی و از سوی دیگر نقش مهمی در موفقیت آنها برای ورود به دانشگاه به خصوص در رشته‌های پرطرفدار و رایگان دارد. بنابراین پذیرش دانشجو به خصوص در رشته‌های پرمتقاضی بهتر است به گونه‌ای انجام شود که تأثیرات محرومیت‌های مالی و امکانات تحصیلی در پذیرش داوطلبان از مناطق کمتر برخوردار یا داوطلبان دهک‌های پایین جامعه تعدیل شود [۲۳]. براساس

۳. نتیجه‌گیری



بنابراین این گونه می‌توان نتیجه گرفت که به علت وجود بازیگران متعدد در سطوح مختلف سیاستگذاری، تنظیم‌گری و اجرا در آموزش عالی، هر گونه تصمیم‌گیری در خصوص تعیین سرحد خودکفایی، نیاز به اجماع در سطح سیاسی و سیاستی این حوزه دارد و حل این مسئله به ایجاد فهم مشترک نسبت به این موضوع نیاز دارد. به بیان دیگر «سرحد خودکفایی» در اصل سی‌ام قانون اساسی، اگرچه مربوط به آموزش عالی است اما حل آن به هیچ‌وجه به تنهایی از عهده وزارتین علوم و بهداشت بر نخواهد آمد. یکی از دلایل مهم عدم حل مسئله در چهار دهه گذشته، نبود نظام رصد و

همان‌طور که در گزارش حاضر ذکر شد، اجرای اصل سی‌ام در حوزه آموزش عالی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

- دشواری نیازسنجی نیروی انسانی متخصص در سطح کشوری و استانی؛
- مهاجرت نخبگان علمی و دانشگاهی و نیروهای متخصص؛
- ضعف در نظام اطلاعات بازار کار و نیروی انسانی متخصص؛
- مقاومت اجتماعی و تعارض منافع برخی از ذی‌نفعان؛
- دشواری در اجرای آموزش عالی رایگان از منظر عدالت اجتماعی.

به برنامه‌ریزی مطلوب برای تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نظر اصل سی‌ام قانون اساسی نیستند و لازم است همه نهادهای مهم و تأثیرگذار در حوزه آموزش عالی و تحقیقات از شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران گرفته تا دستگاه‌های اجرایی نظیر سازمان برنامه و بودجه، وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان اداری و استخدامی کشور، همه مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در این امر هم‌راستا باشند و بنا به وظایف و اختیارات خود در این امر مشارکت داشته باشند.

پایش آموزش عالی، به‌عنوان یک پیش‌نیاز اساسی است. نظام رصد بازار کار به‌عنوان یک عامل هشداردهنده، توسط متولیان پیگیری نشده و این موجب انباشته شدن مسئله در طول زمان شده است. به‌عبارت‌دیگر چالش‌های احصا شده در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی در حوزه آموزش عالی تنها معطوف به حوزه آموزش عالی نیستند و بخش مهمی از این چالش‌ها در بیرون از این نظام قرار دارند. علاوه بر این تنوع و تعدد چالش‌های احصا شده که در همه سطوح از سیاستگذاری و تصمیم‌گیری تا اجرا پراکنده شده‌اند نشان می‌دهد وزارت‌خانه‌های متولی آموزش عالی به‌تنهایی قادر

منابع و مآخذ

- [۱] سعیدی، ا.، رصد اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی ایران. ۱۴۰۱، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- [۲] دادجوی توکلی، ع.، تقویت مشارکت بخش غیردولتی در تأمین منابع مالی آموزش عالی. مدیریت فردا، ۱۳۹۸، ۵۸(۱۸): ۱۲۳-۱۳۸.
- [3] Expenditure on higher education as a share of GDP in selected countries worldwide in 2019, by source of funding. Education & Science [web] 2022 2019]; Available from: <https://www.statista.com/statistics/707557/higher-education-spending-share-gdp/>.
- [۴] زراعت کی، ی.، بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور ۵۳. آموزش عالی، تحقیقات و فناوری. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸، ۲۷(۱۰): -.
- [۵] نصیری، ح. و م. سرایلو، واکاوی مفهوم خودکفایی در اصل سی‌ام قانون اساسی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲.
- [۶] طائی، ح.، نظری بر توزیع و محاسبه ماتریس‌های نیروی انسانی متخصص در اقتصاد ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۷۲، ۲(۱): ۲۱-۵۲.
- [۷] انتظاری، ی.، تحلیلی بر سطح کفایت سرمایه انسانی پیشرفته و آموزش عالی رایگان، مجموعه طرح‌های پژوهشی کوتاه مدت سیاستی. ۱۴۰۱، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: تهران. ۲۷-۳۱.
- [۸] طائی، ح.، پ. و وحیدی، و م. غفرانی، نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور. ۱۳۸۲: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- [۹] شاه‌آبادی، ا. و ه. بنیادی، تأثیر کارآفرینی بر مهاجرت نخبگان در کشورهای منتخب منطقه منا. ۱۴۰۱.
- [۱۰] بهزادی، ف. و م. حسین پور، سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱، پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف: رصدخانه مهاجرت ایران.
- [۱۱] عزیزخانی، ف.، ر. مرادی، و م. بهنیا، نظام اطلاعات بازار کار: مفهوم شناسی و بررسی وضعیت ایران. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰، ۲۹(۵): -.
- [۱۲] سهرابی، ح.، عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران، تحلیلی از وضع موجود و چشم‌انداز آینده. ۱۳۷۶، تهران: سازمان برنامه و بودجه. ۲۳۳.
- [۱۳] مومن، م.، غ. الهام، و ع. کعبی، جایگاه قانون اساسی و ضمانت‌های اجرایی آن. معرفت، ۱۳۸۰، ۴۳(۱۰): ۸-۱۶.
- [۱۴] کیانی بختیاری، ا. و ع. ا. موسوی موحدی، انقلاب صنعتی چهارم و تغییرات بنیادین پیش‌رو. نشاء علم، ۱۴۰۰، ۱۱(۲): ۱۶۳-۱۶۵.
- [۱۵] همتی، ر.، و. قاسمی، و ا. منصور نژاد، آموزش عالی و توسعه اقتصادی: مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب جهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۹، ۳۱(۳): ۷۵-۹۶.
- [۱۶] جوادی، ش.، بررسی جایگاه ایران در شاخص‌های تولید و صادرات محصولات با فناوری‌های متوسط و پیشرفته براساس داده‌های یونیدو (۱۳۹۹-۱۳۶۹) (۱۹۰۰۹). ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲، ۳۱(۳): ۱-۳۸.
- [۱۷] افروز، ا. و ع. سوری، اثر ثبات و نوسانات صادرات نفت بر رشد اقتصاد ایران. پیک نور، ۱۳۸۳، ۸(۲): ۱۰۳-۱۱۰.



[۱۸] مهدوی عادل، م.، ا. قزلباش، و م. دانش‌نیا، اثر تغییرات قیمت نفت بر متغیرهای عمده کلان اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۳۹۱، (۱)۳، ۱۷۰-۱۳۱.

[۱۹] روحانی، ش. و ه. یوسفی، تأمین مالی و تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های دولتی در ایران (۱۹۰۳۵). ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲، ۳۱(۴)، ۱-۲۴.

[۲۰] یزدی فیض‌آبادی، و. م.، مهرالحسنی، و س. خسروی بررسی روند نابرابری‌های جغرافیایی در توزیع نیروی انسانی و تسهیلات بهداشتی-درمانی در بخش سلامت ایران در یک دهه گذشته مجله اپیدمیولوژی ایران، ۱۳۹۶، ۱۳(۵)، ۳۶-۲۷.

[۲۱] آمار آموزش عالی، ۱۴۰۲، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: تهران.

[۲۲] اصل‌سی‌ام، ۱۳۶۲ [۱۳۸۹، نظر تفسیری شورای نگهبان].

Available from: <https://www.shora-gc.ir/fa/news/1829/%D8%A7%D8%B5%D9%84-%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D9%85>.

[۲۳] زراعت کیش، ی.، بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱، ۲۹(۱۱).

گزیده سیاستی

اجرای اصل سیاستی اساسی در حوزه آموزش عالی با چالش‌های متعددی نظیر دشواری نیازسنجی نیروی انسانی متخصص مهاجرت نخبگان علمی و نیروهای متخصص؛ ضعف در نظام اطلاعات بازار کار، مقاومت اجتماعی و تعارض منافع برخی از ذی‌نفعان و دشواری در اجرای آموزش عالی رایگان از منظر عدالت اجتماعی روبه‌رو است. بنابراین به‌علت وجود چالش‌های مختلف در اجرای اصل سیاستی به‌نیاز به اجماع در تمامی سطوح سیاستگذاری، تنظیم‌گری و اجرا است و تحقق آن توسط وزارتین علوم و بهداشت به‌تنهایی میسر نیست.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir